

زن در شاهنامه



تألیف



دکتر جلال خالقی مطلق

برگردان از آلمانی



مریم رضایی

www.ketab.ir



سرشناسه	خالقی مطلق، جلال، ۱۳۱۶ - Khaleghi Motlagh, Djilal
عنوان و نام پدیدآور	زن در شاهنامه / جلال خالقی مطلق؛ برگردان مریم رضایی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری سخن، ۱۳۸۱
مشخصات ظاهری	۳۰۶ ص.
فهرست	مجموعه انتشارات تاریخی و ادبی موقوفات دکتر محمود افشار؛ ۳۰۴ - کلیه زبان و ادبیات فارسی دری؛ ۱۱۷.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۷۰۶-۵۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	فپیا.
یادداشت	کتاب حاضر از متن آلمانی اثر با عنوان 'Die Frauen Im Shahname' به فارسی برگردانده شده است.
یادداشت	کتاب حاضر قبلاً یک بار با عنوان "زن در شاهنامه" با ترجمه احمد بی نظیر توسط انتشارات مروارید در سال ۱۳۹۵ و بار دیگر با نام "زنان شاهنامه" با ترجمه فرهاد اصلانی و معصومه پور تقی در سال ۱۳۹۸ (هر دو ترجمه از انگلیسی) منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه، ص: [۳۰۱] - ۳۰۶.
یادداشت	نمایه.
عنوان دیگر	زنان در شاهنامه.
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۲۱۶ق. شاهنامه. -- نقد و تفسیر.
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Criticism and Interpretation
موضوع	فردوسی، ابوالقاسم، ۳۲۹-۴۲۱۶ق. شاهنامه. -- شخصیت ها -- زنان.
موضوع	Ferdowsi, Abolqasem. Shahnameh -- Characters -- Women
موضوع	زنان در ادبیات.
موضوع	Women in Literature
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۴ق. -- تاریخ و نقد.
موضوع	Persian Poetry -- 10th Century -- History and Criticism
شماره افزوده	رضایی، مریم، ۱۳۵۴. مترجم.
زده بندی کنگره	PIR ۴۴۹۶
زده بندی دیوبی	۸۹۱/۲۱
شماره کتابشناسی ملی	۸۹۱۸۵۹۸



زن در شاهنامه

دکتر جلال خالقی مطلق

www.ketab.ir

برگردان	مهریم رضایی
گرافیسٲ، طراح و اجرای جلد	کاوه حسن بیگلر
لیتوگرافی	صدف
چاپ متن	آزاده
صحافی	فرد
تیراژ	۲۲۰۰ نسخه
چاپ دوم	۱۴۰۳

ناشر

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک وی، خیابان عارف نسب، کوی دبیر سیاف (لادن)، شماره ۶

تلفن: ۲۲۷۱۷۱۱۴ دورنما: ۲۲۷۱۷۱۱۵

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۶۶۴۰۵۰۶۲ دورنما: ۶۶۹۵۳۸۰۴-۵

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۶۶۹۵۳۸۰۴-۵



تکمله و تبصره

یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان.

کتاب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد. و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزّه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتاب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان‌بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاز و هوجی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چون توان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتاب و رسالات نه تنها هزینه و حق‌الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملانصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرد دانه‌ای دو شاهی، می‌بخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.

فهرست مطالب

۱۷	یادداشت مؤلف
۲۱	مقدمه مترجم
۲۵	پیشگفتار
۲۹	درآمد
۵۱	بخش نخست: درباره برخی زنان شاهنامه
۵۳	فصل یکم: زنان نژاده
۵۳	سرسخن
۵۵	۱. آرنواز و شهرناز
۵۸	۲. فرانک
۶۰	۳. آرزو، ماه‌آزاده‌خوی و سهی (دختران سرو شاه یمن)
۶۲	۴. ماه‌آفرید و دخترش
۶۳	۵. رودابه و مادرش سیندخت
۷۲	۶. مادر سیاوش
۷۴	۷. سوداوه
۸۱	۸. تهمنه
۸۶	۹. گردآفرید
۸۷	۱۰. فریگیس، جریره و گلشهر
۹۴	۱۱. اسپنو(ی)

ب. اجازه پدر و انتخاب خود.....	۱۷۷
پ. دین.....	۱۸۰
ت. موقعیت اجتماعی و دارایی.....	۱۸۱
ث. شرایط دیگر: شخصیت خوب، باکره بودن، باروری، زیبایی.....	۱۸۳
۴. تشریفات ازدواج.....	۱۸۷
الف. خواستگاری.....	۱۸۷
ب. اعمال آیینی.....	۱۹۰
۵. ازدواج و آیین‌های آن.....	۱۹۳
۶. طلاق.....	۱۹۸
فصل سوم: انواع مختلف ازدواج.....	۲۰۱
۱. نشانه‌های مادر سالاری.....	۲۰۱
۲. چندهمسری (چندزنی، چندشوهری، ازدواج استقراضی).....	۲۰۴
۳. تمایز طبقاتی در حقوق زناشویی.....	۲۱۱
۴. درون‌همسری و برون‌همسری، ازدواج با خویشان و محارم.....	۲۱۳
فصل چهارم: جایگاه زن در زندگی زناشویی.....	۲۲۱
۱. ارتباط میان افراد خانواده و وظایف متقابل آن‌ها.....	۲۲۱
الف. روابط میان زن و شوهر.....	۲۲۱
ب. روابط میان والدین و فرزندان.....	۲۲۴
۲. رابطه جنسی میان زن و شوهر.....	۲۳۱
الف. خویش‌داری و میانه‌روی در رابطه جنسی.....	۲۳۱
ب. ممنوعیت رابطه جنسی در برخی موارد.....	۲۳۴
پ. ممنوعیت رابطه جنسی برای افرادی معین.....	۲۳۵
۳. زن در مقام زاینده (زائو).....	۲۳۷
الف. چگونه بچه به وجود می‌آید و ظاهر و منش او به چه کسی می‌رود؟.....	۲۳۷
ب. سقط جنین.....	۲۴۲
پ. زمان تولد و پس از آن.....	۲۴۳

فصل پنجم: جایگاه زن در اجتماع.....	۲۴۵
۱. رفتار ناپسند با زن.....	۲۴۵
الف. زن مظهر همه بدی‌ها.....	۲۴۵
ب. زن ربایی.....	۲۴۸
۲. رفتار نیک با زنان.....	۲۵۱
۳. پیشه زنان.....	۲۵۲
الف. میزان فعالیت اجتماعی زنان طبقات بالا.....	۲۵۲
ب. سرگرمی‌های زنان طبقات بالای اجتماع.....	۲۵۴
پ. وظایف زنان طبقه پایین درون و بیرون خانه.....	۲۵۶
۴. جامعه ظاهر زنان را چگونه می‌پسندید؟.....	۲۵۷
الف. زیبایی دلخواه نزد ایرانیان.....	۲۵۷
ب. جذابیت زن (حاذیه جنسی).....	۲۶۲
پ. آرایش و بهداشت.....	۲۶۳
ت. جامه.....	۲۶۵
ث. زیورآلات.....	۲۷۲
فهرست کوتاه نوشت‌ها.....	۲۷۵
نمایه‌ها.....	۲۷۷
کسان و جانداران.....	۲۷۹
جای‌نام‌ها.....	۲۹۱
شرح مختصری از برخی متون.....	۲۹۳
منابع.....	۳۰۱

یادداشت مؤلف

با آنکه حماسه میدان مردان است، زنان در هیچ اثری به زبان فارسی، به استثنای ویس و رامین، نقش فعال زنان شاهنامه را ندارند و جالب اینکه این نقش فعال در بخش حماسی این کتاب چشمگیرتر است تا در بخش تاریخی آن، که باید آن را به حساب تأثیر ادب اشکانی بر حماسه و از آنجا بر شاهنامه گذاشت.

زنان شاهنامه در همه مراحل زندگی نقشی کوشا دارند، چه در دوران دوشیزگی (مثال‌های رودابه، تهمینه، سوداوه، منیژه، کتابدون و گلنار)، چه در نقش همسر (مثال‌های سیندخت، سوداوه، گلشهر، فریگیس و شیرین)، چه در نقش مادر (مثال‌های فرانک، سیندخت، جریره و مادر گو و طلخند)، چه در نقش زنان رزمنده (مثال‌های گردآفرید و گردیه)، چه در نقش زنان سیاست‌پیشه (مثال‌های همای، قیدافه، مادر گو و طلخند، گردیه، شیرین، بوراندخت و آرمیدخت) و نیز در نقش دایه و ندیمه و فروشنده و غیره.

اگرچه در توصیف زنان شاهنامه تنها به اندام و زیبایی، خرد و دانایی، عفت و پارسایی آن‌ها توجه کرده‌اند، ولی درحقیقت نقش کوشا و کارکرد فعال آن‌هاست که آن‌ها را از زنان دیگر ادب فارس که بیشتر «طعمه» و «غنیمت» اند، تا یار و همسر و شریک زندگی، متمایز می‌کند. حتی در شاهنامه نیز، چنان‌که در

آغاز اشاره شد، ما شاهد تغییری محسوس در این زمینه هستیم. در تاریخ ما، میان بهرام گور پادشاه ساسانی و بیژن اشکانی همانندی‌هایی دیده می‌شود، از جمله در نقش زن در زندگی آن‌ها. ولی میان منیژه همسر بیژن و زنان بهرام گور تفاوت بزرگی است. در حالی که منیژه در کار عشق پیش‌دست است و سپس در راه عشق از شاهدختی به دیروزگی می‌افتد. زنان بهرام گور، هرچند مانند زنان دیگر ادب فارسی عروسک پرده‌نشین نیستند، ولی در مقایسه با منیژه «حلوای نذری» اند که بهرام از آن می‌چشد. با این حال، چنان‌که اشاره شد، زنان بهرام نیز به کلی بی‌جنبش نیستند. برای مثال، چهار دختر آسیابان، پیش از آنکه «طعمه» بهرام شوند، با دیگر زنان در حال پایکوبی و دست‌افشانی و ساز و آوازند. یا سه دختر برزین دهقان و دختر ماهیار گوهرفروش از هنرهای نوازندگی و خوانندگی و سرایندگی نه تنها برخوردارند، بلکه آن را نشان نیز می‌دهند و همچنین پیش از آنکه به شبستان بهرام فرستاده شوند، موافقت آن‌ها حاصل می‌گردد.

از سوی دیگر، در شاهنامه نیز مانند دیگر آثار ادب باستان در جهان، گهگاه نظریات منفی نسبت به زن پیش می‌آید که بیشتر نظر منفی اشخاص مرد کتاب نسبت به زن است که در مأخذ شاعر بوده و از میان این نظریات منفی، کمتر موردی هست که بتوان آن را به خود سراینده نسبت داد. در مقابل، همان‌گونه که در بالا اشاره شد، نقش کوشای زنان در همه مراحل زندگی، این کتاب را در میان دیگر آثار ادب فارسی، از این بابت نیز ممتاز کرده است. اینکه با این حال کسانی در زمانه شاهنامه را با استاد به برخی بیت‌های الحاقی اثری «زن‌ستیز» نامیده‌اند، چیزی جز ناآگاهی از محتوای این کتاب و دیگر آثار ادب فارسی از یک‌سو، و غرض‌ورزی‌های برخاسته از بینش‌های سیاسی و غیر ملی نیست که به بهانه نگاه انتقادی به تاریخ و فرهنگ، تبلیغ می‌گردد و یک نمونه دیگر آن انکار نام ایران است.